اعتراض مسالمت‌آمیز، سیستم را پاسخگو می‌کند

ادامه از صفحه ۴

◆ بااین‌حال رفتارها هم باید کماکان مسالمت‌آمیز باشد.

چاره‌ای جز این راه وجود ندارد. هرگونه رفتار خشونت‌آمیز اتفاقا به عنوان کاتالیزور ما در مسیر خودتخریبی عمل می‌کند.

◆ پس من سؤال طبقه معترض را از شما می‌پرسم. اگر خیابان جای اعتراض نیست، چرا در چهار دهه گذشته خیابان، کانون مانورهای سیاسی - اجتماعی، برپایی راهپیمایی‌ها و... بوده است؛ مگر تحول‌خواهی‌ها از کف خیابان به پیروزی نرسیدند؟

ما که به دنبال انقلاب جدید نیستیم. واقعا مردم با این وضعیت تاب و توان درگیرهای دیگری را ندارند. صدالبته که نباید و نمی‌توان وضع موجود را هم به‌طوکلی رد کرد و منکر نارسایی‌ها و اعتراضات بحق شد. از نظر قانون اساسی برگزاری تجمعات قانونی و مسالمت‌آمیز حق مردم است و دولت، وزارت کشور و قوای انتظامی هم باید امنیت این اعتراضات را تأمین کنند؛ بنابراین جمهوری اسلامی باید نسبت به اعتراض خیابانی مسالمت‌آمیز و مدنی منعطف عمل کند و حتی از آن استقبال کند، اما در برابر رفتارهای خشونت‌آمیز، توهین به مقدسات و... موضع بگیرد. با این نگاه، نه کسی انتقادی به حضور خیابانی طیف انقلابی در راهپیمایی‌های سالانه دارد و نه در مقابل هم حساسیت سیاسی - امنیتی برای اعتراضات خیابانی مردمی وجود دارد، چراکه این اعتراضات با مجوز وزارت کشور و دولت و با تأمین امنیت توسط قوای انتظامی پیش خواهد رفت. حال اینکه این نگاه در سال‌های گذشته تا چه اندازه محقق شده است، جای سؤال و نقد دارد، اما اگر به طور مشخص و مصداقی به سؤالات پاسخ دهم، باید راهکار مذکور را عملیاتی کرد و از اعتراض قانونی مردم نترسید و آن را مترادف براندازی، آشوب، فتنه و... تعبیر و تعریف نکرد. زمانی که این نگاه حاکم نباشد و وزارت کشور مجوزی به هیچ تجمع حزبی، صنفی و اجتماعی ندهد و با برخورد امنیتی به دنبال محدودکردن هر انتقادی باشیم، قطعا بروز اعتراضات تند و رفتارهای خشونت‌آمیز اجتناب‌ناپذیر خواهد بود، اگرچه من مخالف آن هستم. اما مردم وقتی می‌بینند که راه اعتراض وجود ندارد در کنارش وضعیت اقتصادی و معیشتی هم در یک بحران به سر می‌برد، دیگر حجتی برای سکوت و حتی اعتراض مسالمت‌آمیز نمی‌بینند و خود را مخیر و بهتر بگوییم مجبور به بروز رفتار رادیکال می‌دانند تا حق و صدای آنها به رسمیت شناخته شود.

◆ با این تفاسیر شما قائل به اجتناب‌ناپذیربودن رادیکالیسم هستید؟

ببینید رفتار رادیکال و خشونت‌آمیز، یک رفتار آنی و غیرمترقبه نیست، بلکه نتیجه و محصول شرایط است. اگر من تأکید دارم باید اعتراضات قانونی به رسمیت شناخته شود، به همین خاطر است. وقتی این فضا نیست قطعا رفتارها به مرور زمان رادیکال می‌شود. بله طیف اصولگرا از زمان یکدست‌شدن قدرت مرتب عنوان می‌کند که ما اقتصاد را به سیاست خارجی و برجام گره نزده‌ایم و معیشت مردم را هم شرطی نکرده‌ایم. این در بیان ساده گفته می‌شود، اما همه می‌دانند که عکس آن صادق است. همین نوع نگاه غلط در سیاست داخلی هم حاکم است. وقتی فساد سیستماتیک، تبعیض، رانت، سفر خارجی، تابعیت مضاعف برای مقامات و فرزندان آنها وجود دارد و جامعه در مشکلات اقتصادی دست و پا می‌زند، نمی‌توان آن را در شکل‌دهی اعتراضات اخیر نادیده گرفت. بدون شک مرگ مهسا امینی و اعتراض به گشت ارشاد بهانه است. من این را قبلا گفتم و دوباره می‌گویم که اعتراض خشونت‌آمیز و قرارگرفتن در مسیر رادیکالیسم به عملکرد سال‌ها و دهه‌های گذشته بازمی‌گردد که در یک حادثه خود را نشان می‌دهد؛ ازاین‌رو نمی‌توان این نگاه را درست دانست که برخی عنوان کنند مسئله مرگ مهسا امینی و گشت ارشاد یک مسئله اجتماعی است که اکنون با اعتراضات سازمان‌یافته و شعارهای بی‌ارتباط با موضوع ماهیتی سیاسی و امنیتی پیدا کرده است. این نگاه غلط است. ما صورت‌مسئله را پاک کرده‌ایم. مرگ مهسا امینی و گشت ارشاد فقط محل بروز اعتراض است، چون ما با دو بحران اعتماد و بحران ناکارآمدی مواجهیم؛ بنابراین هر اتفاقی می‌تواند رنگ‌وبوی اعتراضات سیاسی به خود بگیرد. به همین دلیل باز تکرار می‌کنم ما باید اصل حق اعتراض قانونی و مسالمت‌آمیز را برای همه قائل باشیم، اما در برابر رفتار خشونت‌آمیز و توهین مقاومت کنیم. چون این رفتار کل هدف را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. متأسفانه تداوم و حتی تشدید رفتار تحقیرآمیز با آنها، تبعیض، فساد سیستماتیک، بحران ناکارآمدی و عدم بهبود وضعیت رفاه و زندگی مردم وضعیت را بغرنج‌تر کرده است؛ بنابراین تا زمانی که جامعه این واقعیت‌های انکارناپذیر را می‌بیند، قطعا از هر مسئله، اتفاق و حادثه‌ای برای اعتراض در جهت به‌رسمیت‌شناختن خود و حقوق و مطالباتش استفاده می‌کند. اینجاست که هر حرکتی بی‌تردید ماهیت و محتوایی سیاسی پیدا خواهد کرد.

تجمع بزرگ در تهران

اجتماع بزرگ «امت رسول‌الله(ص)» هم‌زمان با سالروز رحلت حضرت رسول اکرم(ص) و شهادت امام حسن مجتبی(ع) عصر یکشنبه سوم مهر ۱۴۰۱، با حضور اقشار مختلف مردم و هیئات عزاداری با اهتزاز پرچم‌های جمهوری اسلامی ایران در میدان انقلاب برگزار شد. به گزارش ایسنا، در این تجمع که به دعوت شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی استان تهران، هیئات مذهبی، کانون‌های قرآنی و ستاد مرکزی اربعین حسینی(ع) برگزار شد، حجت‌الاسلام محمدجواد حاج‌علی‌اکبری، رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه کشور، در سخنانی گفت: خسارت فتنه‌انگیزی‌ها بر گردن استکبار جهانی است.در اجتماع بزرگ امت رسول‌الله(ص) که با پخش سرود ملی ایران آغاز شد، راهپیمایان از چهار مسیر کارگر شمالی، کارگر جنوبی، خیابان آزادی و خیابان انقلاب در این مراسم حضور یافتند و پرچم سه‌رنگ ایران و عکس مقام معظم رهبری و شهید قاسم سلیمانی را در دست داشتند. در این مراسم و پیش از آغاز سخنرانی حجت‌الاسلام حاج‌علی‌اکبری، تجمع‌کنندگان تهرانی پیکر شهید حسین تقی‌پور، شهید مدافع امنیت را که دوم مهر ۱۴۰۱ در جریان کنترل ناآرامی‌های اخیر به شهادت رسید، تشییع کردند. بهادری‌جهرمی، سخنگوی دولت و غلامحسین اسماعیلی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور ازجمله مسئولانی بودند که حضور آنها در بین تجمع‌کنندگان تهرانی مشاهده شد. اجتماع بزرگ امت رسول‌الله(ص) روز یکشنبه در سراسر کشور و در مکان‌های اعلام‌شده برگزار شد. لازم به توضیح است که روز جمعه نیز اقشار مختلف مردم بعد از نماز جمعه در تجمع مشابهی نسبت به اعتراضات اخیر واکنش نشان داده بودند و تجمع روز یکشنبه دومین تجمع معترضان به اعتراضات اخیر بود.

شیوه داغ

ادامه از صفحه ۲

او همچنین گفت: یک حمله انتحاری علیه جمهوری اسلامی از سوی همین گشت انجام شده! حاکمیت اگر قدرتمند است، شعار تند یک دهه هشتادی را هم به جان می‌خرد. مگس روی زخم می‌نشیند، پس باید زخم را خوب کرد؛ این جمله رهبر انقلاب است؛ ولی به جای اینکه زخم را خوب کنیم، همیشه گفته‌ایم دارند سیاه‌نمایی می‌کنند. شیوه جمع‌کردن ماجرا به جای حل مسئله، عادتی است که رخ می‌دهد. معتقدم باید با کسانی که به پلیس حمله می‌کنند برخورد کرد، اول هم با نماینده مجلسی که در گوش پلیس بی‌پناهی که در حال اعمال قانون بود، زد. بارها گفته‌ایم، گشت ارشاد با این وضعیت، گشت منکر است و به نظرم یک حمله انتحاری علیه جمهوری اسلامی از سوی همین گشت انجام شده است! شش روز از قضیه مهسا امینی گذشته؛ ولی دریغ از یک مقام مسئول که عذرخواهی کرده باشد. سخیف‌ترین کارها به‌عنوان وظایف گشت ارشاد در نظر گرفته شده، یک دختر با پوشش معمولی وارد گشت ارشاد شده و بی‌جان خارج شده؛ ولی پلیس می‌گوید قضیه را به پل صراط واگذار می‌کند؛ درحالی‌که پل صراط همین‌جاست. یک جامعه‌شناس بیاورید که بتواند یک نفر را درمورد ضرورت وجود گشت ارشاد قانع کند. آیا آقای خضریان موافق هستند مردم هفته آینده جلوی مجلس تجمع اعتراضی برگزار کنند و از نمایندگان بپرسند چرا در قضیه مهسا امینی موضع‌گیری شفاف نکردند؟ حاکمیت اگر قدرتمند است، شعار تند یک دهه هشتادی را هم به جان می‌خرد. علمایی مثل آیت‌الله جوادی‌آملی معتقدند با این روش ارشاد به حجاب و عفاف، صرفا کار ظاهری صورت می‌گیرد.

همه راه‌های ارتباط مردم و برداشت افکار عمومی با حاکمیت باید باز شود، نه اینکه به همه انگ آنارشیسم بزنیم یا بگوییم فلانی ۲۰ سال قبل یک پرونده‌ای داشته و الان هم دنبال مسائل دیگری است. پلیس باید اقتدار داشته باشد، پلیسی که حامی مردم است و مردم به آن اعتماد دارند و هرکس در راستای تضعیف پلیس اقدام کند، محکوم است؛ ولی در این شرایط مردم خاطرات بدی از گشت ارشاد دارند.

شریعتی: حتی اتاق خواب مردم را هم حیطه خود می‌دانند/ محبی: آمریکا هرجا به نتیجه برسد کاری درست است، بسیار بدتر از ما عمل می‌کند

یکی از داغ‌ترین مناظره‌ها نیز به شب مناظره سعید شریعتی و جلیل محبی اختصاص داشت.

سعید شریعتی گفت: حکومت مطلقه به خودش اجازه می‌دهد سبک زندگی واحد را به مردم تحمیل کند. حتی اتاق خواب مردم را هم حیطه خود می‌دانند و می‌گویند ما تعیین می‌کنیم چند بچه داشته باشید.

جلیل محبی هم گفت: آمریکا هرجا به نتیجه برسد کاری درست است، بسیار بدتر از ما عمل می‌کند. می‌گویید جمهوری اسلامی به اتاق خواب مردم کار دارد، دوستان خود شما در مورد این مسئله قانون تصویب کردند.

شهریار زرشناس، کارشناس مسائل سیاسی در برنامه شیوه شبکه ۴ که همراه با دکتر بیژن عبدالکریمی، استاد دانشگاه به بررسی دلایل نارضایتی مردم می‌پرداخت، گفت: بابت ۱۰ میلیون ۱۰ تا وثیقه می‌گیرند بعد نام کسی که هزار میلیارد وام می‌گیرد را منتشر نمی‌کنند.

هر وجدانی را این مسئله می‌آزارد.

همچنین دکتر بیژن عبدالکریمی گفت: بعضی‌ها در سال‌های گذشته هیچی نداشتند و اکنون صاحب چند هزار میلیارد ثروت هستند، چرا نسبت به اینها بی‌تفاوت هستیم؟

ادامه از صفحه اول

نگاه ارباب رعیتی از مهران مدیری تا دانشگاه

یادمان نرفته که بابت همین فروش و رقابت با سیما چه خونی به دل مدیران رسانه ملی شد. الان مدیری مدیون سیماست؟ آن‌وقت سیما این اعتبار و بزرگی را از کجا آورده که می‌تواند آن را به بی‌مایه‌هایی مثل مدیری ببخشد و گنده‌شان کند؟ امثال مدیری اگر برنامه نسازند تلویزیون چه می‌خواهد نشان بدهد؟ اگر ادعای ما نادرست است، پس دستمزد ۳۰ میلیاردی و بالاتری که به او می‌دهید تا همچنان برایتان برنامه بسازد، عین فساد و تخلف است و باید بابتش پاسخ‌گو باشید. اگر هم او به این قیمت‌ها می‌ارزد، پس دیگر منت‌گذاشتن برای چیست.

این همان برخورد سطحی است که با فردوسی‌پور شد. به او هم گفتند نان‌خور سیماست و سیما بزرگش کرده. انگار نه انگار که او هم بهترین و پربیننده‌ترین برنامه را برای سیما ساخته است که بالاترین درآمدها را برایشان کسب کرده. او را راندند و دیدیم جانشین‌هایش چطور ساعت پربیننده را به خاک سیاه نشاندند. دیدیم که عادل هنوز بیرون از سیما چقدر مخاطب دارد و چطور برایش هورا می‌کشند.

مشکل صداوسیما و هوادارانش این است که متوجه نمی‌شوند نارضایتی مردم به همین برخوردهای بالا به پایین و به رسمیت نشناختن‌هاست. به همین نگاه ارباب رعیتی که گویی مردم همه نوکر و بیچاره مدیران کشورند و آنها هستند که دارند به ما لطف می‌کنند. اگر درخواستی داشته باشیم، عین نمک‌نشناس‌بودن است و اگر ناراضی باشیم عین بی‌چشم‌ورویی است. این عبارات هم اصلا اغراق نیست و لابد شنیده‌اید که در روزهای اخیر چطور همه منتقدان با همین چوب و تعابیر خوانده می‌شوند.

اینکه وزیر ارشاد هر سینماگری را که خارج از قواعد عمل کند، ممنوع‌الکار اعلام می‌کند هم از همین رویه و نگاه می‌آید. وزیر هم متوجه نیست که همه دستگاه که امروز به آن تکیه زده در واقع برای سرویس‌دادن به هنر و فرهنگ مملکت است؛ برای تر و خشک کردن هنرمند و صاف‌کردن ناهمواری‌های مقابل پایش. وزارت را نساخته‌اند که با هنرمند اشتلم کند و برایش تکلیف تعیین کند که فقط معدودی سفارشی‌ساز را به رسمیت بشناسد. این همه هنرمند انتقاد کرده‌اند و از خشم و از سر دلسوزی سخن گفته‌اند؛ وزیر به جای اینکه آنها را دعوت کند به وزارتخانه -که خانه خودشان است- و پای حرف‌شان بنشیند و کمک کند تا نگرانی‌هایشان برطرف شود و بهترین و متعالی‌ترین آثار را بسازند، راحت می‌گوید اینها را کنار می‌گذاریم و دیگر حق کارکردن ندارند، بدون محکمه و حق دفاع، بدون وکیل و قاضی. همان‌طورکه امروز شاهد دستگیری تعدادی از روزنامه‌نگارهای کشوریم و وزارت و نهادی که باید مدافع و حامی آنها باشد، سکوت اختیار کرده است.

اینکه دانشجوها مطالبه دارند و ناراضی‌اند و به جای شنیدن حرفشان، به جای فراخواندن و همدلی با آنها و تلاش برای رفع مشکلاتشان، کلاس دانشگاه را تعطیل و مجازی کنیم و همه را به خانه بفرستیم، جز این نگاه ارباب رعیتی، جز این مفهوم که دانشگاه و دانش را ملک خود می‌دانیم و هر وقت بخواهیم آن را از فرزندان کشور دریغ می‌کنیم چه معنایی دارد.

و راه مشخص است. مردم را و هنرمند را و جوان دانشجو و زنان و همه را به رسمیت بشناسیم. منت سرشان نگذاریم و بدانیم که هرچه داریم از این مردم است و نه بالعکس.

اعتراض‌ها و ۶ راهکار اصلاح‌گرانه

۶- آموزش در راستای احترام به حقوق و التزام به تکالیف ضعیف است. اختلال ارتباطی یک اتفاق نیست؛ بلکه یک انتخاب است و ریشه در نظام آموزشی دارد. توسعه اجتماعی مستلزم توجه به حوزه عمومی و پذیرش تکثر، احترام به یکدیگر و رواداری است. نادیده‌گرفتن‌ها و تحقیرکردن هر طرف یا دوقطبی‌سازی جامعه ضربه مهلک به سرمایه انسانی‌ای است که می‌تواند در همه بزنگاه‌ها پشتیبان خیر عمومی باشد. هر ایران‌دوستی از تفرقه مردم و هرز رفتن ظرفیت اجتماعی برای تخریب و هدم هم‌وطن خویش متأثر می‌شود. ایران ما این‌همه راه نرفته و کار نکرده در مسیر توسعه دارد. هنر خیرخواهان ایران این است که چگونه همبستگی و چسبندگی ملی ایجاد کنند که این سرمایه متحد برای توسعه و بهروزی مردم باشد. ما به یک گفت‌وگوی ملی و یک تصمیم جمعی برای تغییر نیاز داریم. آموزش همگانی برای احترام به حقوق بشر و گفت‌وگو برای بهترشدن. به جای شعارهای مرگ بر این و آن باید روی خودمان کار کنیم. با تعامل سازنده و رفتارهای توسعه‌یافته باید تغییر را رقم زنیم. تغییر در آموزش خشونت‌ستیز و تکریم‌کننده حق واجب است.

ایران ما با این‌همه شهید و آن‌همه هزینه آزادی‌خواهی و عدالت‌گرایی حیف است که محنت و اندوه مکرر ببیند. خرد ایجاب می‌کند با چشمی عبرت‌پذیر، دوراندیش و حق‌پندار باشیم، چه به قول سعدی تا غمی پنهان نباشد رقتی پیدا نگردد/ هم گلی دیدست سعدی تا چو بلبل می‌خروشد.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب پریسا زجاجی** فرزند ساسان به شماره شناسنامه ۰۰۶۷۴۳۹۹۰۱ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مهندسی شیمی - صنایع شیمیائی معدنی صادره از واحد دانشگاهی علم و صنعت ایران با شماره ۸۰۵/۸۵/۱۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه علم و صنعت ایران واحد آموزش به نشانی تهران میدان رسالت خیابان هنگام خیابان دانشگاه علم و صنعت ارسال نماید.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب پژمان پاکزاد** فرزند احمد به شماره شناسنامه ۲۴۲۲ صادره از شمیران در مقطع کارشناسی رشته مهندسی صنایع - تولید صنعتی صادره از واحد دانشگاهی موسسه آموزش عالی شمال با شماره ۷۶۲۱۲۲۵۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه شمال آمل واحد آموزش به نشانی مازندران آمل کیلومتر ۵ جاده هراز دوراهی امام زاده عبدالله ارسال نماید.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب سید محمد مهدی دزفولی** فرزند سید سعدی به شماره شناسنامه ۵۲۹۷۱ صادره از تهران در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه علم صادره از واحد دانشگاهی علوم و تحقیقات تهران با شماره ۸۴۹۶۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران به نشانی تهران، انتهای اتوبان شهید ستاری، میدان دانشگاه، بلوار شهدای حصارک، دانشگاه آزاد اسلامی ارسال نماید.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
دانشنامه فارغ التحصیلی **اینجانب شقایق مسگری** فرزند رضا به شماره شناسنامه ۱۹۰۲۲ و کد ملی ۰۰۸۱۴۹۵۶۴۱ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته حقوق صادره از واحد دانشگاهی تهران شمال به شماره ۱۳۹۰۱۵۷۰۰۲۶۱ مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۲۴ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود دانشنامه را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال به نشانی بزرگراه شهید بابایی (غرب به شرق) خروجی حکیمیه خیابان شهید صدوقی بلوار وفادار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ارسال نماید.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب حامد علیزاده** فرزند حیدرقلی به شماره شناسنامه ۱ صادره از آمل در مقطع کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان انگلیسی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد دانشگاهی گرمسار با شماره ۴۲۳۵۳۶ مفقوده گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه ازاد اسلامی واحد گرمسار به نشانی گرمسار، میدان دانشگاه، خیابان دانشجو، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار کدپستی: ۳۵۸۱۶۳۱۱۶۷ و صندوق پستی: ۳۵۸۱۶۳۱۱۶۷ ارسال نماید.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب رضا تجدد** فرزند فرهاد به شماره شناسنامه ۲۶۷۰۱۶۰۳۲۸ صادره از صومعه سرا در مقطع کارشناسی رشته حقوق صادره از واحد دانشگاهی شهرقدس با شماره ۸۳۹۲۵۵ ش ف مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس به نشانی شهر قدس بلوار کلهر دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس ارسال نمائید.

برگه سبز (سند مالکیت خودرو) و برگه سبز گمرکی **خودرو تویوتا کرولا** رنگ بژ متالیک مدل ۲۰۰۶ به شماره پلاک ایران ۱۱ 24D222 و شماره موتور AT8385076 و شماره شاسی 2T1BR32E56C620589 به نام **خانم پروانه یفتلی** سفارت جمهوری اسلامی افغانستان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب نیلگون سعیدی** فرزند مسعود به شماره شناسنامه ۲۲۸ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته روانشناسی با گرایش بالینی صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی رودهن مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن به نشانی رودهن دانشگاه آزاد اسلامی دانشکده روانشناسی ارسال نماید.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب هاله مسعود سینکی** فرزند قاسم به شماره شناسنامه ۳۹۷۶ صادره از تهران در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی_پژوهشگری صادره از واحد دانشگاهی الزهرا مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه الزهرا واحد دانش آموختگان/فارغ التحصیلان به نشانی میدان ونک، ده ونک، دانشگاه الزهرا ارسال نماید.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب محمدرضا کاتب صفا** فرزند علی به شماره شناسنامه ۱۲۴۹۱ صادره از تهران در مقطع کاردانی رشته معماری صادره از واحد دانشگاهی فنی انقلاب اسلامی با شماره ۲۲۴۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه انقلاب اسلامی واحد میدان معلم به نشانی یافت آباد بلوار معلم میدان معلم ارسال نماید.

گواهی موقت فارغ التحصیلی **اینجانب مرضیه شفیعی** فرزند عبدالرحیم به شماره شناسنامه ۲۰۹ صادره از خمین در مقطع کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی صادره از واحد دانشگاهی آزاد اراک مفقود گردیده است و فاقد اعتبار میباشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک موقت را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک به نشانی: استان مرکزی، شهرستان اراک، میدان امام خمینی، کیلومتر ۳ جاده خمین، شهرک دانشگاهی امیرکبیر، کدپستی ۳۸۳۶۱۱۹۱۳۱ (صندوق پستی: ۵۶۷-۳۸۱۳۵) ارسال نماید.

برگ سبز **موتورسیکلت هیلتون** رنگ سفید مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ایران ۵۴۱ _ ۹۹۶۲۳ و شماره موتور 0125N3S321721 و شماره شاسی N3S***125H9312836 به نام **سید جعفر هاشمی‌پور** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز **موتورسیکلت نامی CG 125** رنگ سبز مدل ۱۳۸۳ به شماره پلاک ایران ۱۱۷_۱۸۹۳۹ و شماره موتور CE0146501 و شماره شاسی 1148191R به نام **مهدی خاکبازان** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو رانا TU5 رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۸۷ - ۳۹۳ ط ۶۲ و شماره موتور 188B0008251 و شماره شاسی NAAU514E2NT344958 به نام **معصومه اسدی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز **خودرو پراید سایپا ۱۴۱ آی** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ایران ۲۲ - ۳۴۳ د ۴۱ و شماره موتور ۰۱۱۱۴۸۲۴ و شماره شاسی S1482284116341 به نام **زهرا زر مهربخش** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

پروانه اشتغال به کار کاردانی به شماره ۰۰۳۴۰-۳۰۰-۱۰-۱ متعلق به **اینجانب تراب شیری زاده درین سو** به شماره شناسنامه ۷۸۸ و کد ملی ۱۶۰۱۶۵۴۱۰۳ و شماره عضویت ۰۰۶۶۰-۳۰۰-۱۰-۱ جهت کار در استان تهران مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.